

Second High School Religion and Life Curriculum; existing Challenges (Analysis of teachers' lived experiences)

Mohammad Amini *

The success and effectiveness of the various curricula of the educational system requires the identification of field realities and efforts to solve their problems. One of the most important areas and functions of the educational system in our country is religious education, which is designed to develop students' religious and moral virtues. From this perspective, the main purpose of the present study is to investigate and identify the set of problems in the curriculum of religion and life in secondary school based on the perceptions and lived experiences of the teachers of the course. The general approach of this research is qualitative according to its nature and purpose. The necessary data and information were collected and organized through in-depth semi-structured interviews with 20 teachers of religion and life who were selected by purposive sampling. Data collection was performed according to the theoretical saturation principle. Colaizzi's seven-step method was used to analyze and interpret the information obtained. The results showed that the field of religion and life curriculum in the second secondary school of the country's education system faces two main obstacles: educational problems (school-related issues and educational factors) and non-educational challenges (external realities). These barriers, each of which has its own sub-categories, in practice make the religion and high school life curriculum lack the expected educational and training functions and positive effects on students' religious and moral learning. It is obvious that the use of scientific solutions to solve the mentioned problems can make the country's educational system more efficient in the area of religion and life and also provide students with the desired religious virtues.

Keywords: *Religion and Life, Curriculum, Educational Problems, Non-Educational Challenges, Secondary School.*

* Associate Professor, Department of Educational Sciences, College of Humanities, Kashan University.

برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم؛ چالش های موجود

(وارسی تجارب زیسته دبیران)

محمد امینی*

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵

چکیده

موفقیت و اثربخشی برنامه‌های درسی گوناگون نظام آموزشی مستلزم شناسایی واقعیات میدانی و تلاش برای حل مشکلات و تنگناهای اجرایی آن‌هاست. یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها و کارکردهای نظام آموزشی در کشور ما تربیت دینی است که در راستای رشد و پرورش فضایل و سجایای دینی و اخلاقی دانش‌آموزان پیش‌بینی شده و در دوره متوسطه دوم از طریق برنامه درسی خاص و کتاب مربوط بدان یعنی «دین و زندگی» توسط دبیران این درس اجرا و آموزش داده می‌شود. از این منظر، هدف اصلی تحقیق حاضر وارسی و شناسایی مجموعه تنگناها و مشکلات برنامه درسی دین و زندگی در مقطع متوسطه دوم با استناد به ادراکات و تجارب زیسته دبیران درس مذکور است. رویکرد کلی حاکم بر این پژوهش با توجه به ماهیت و هدف آن کیفی از نوع پدیدارشناسی بوده و طی آن داده‌ها و اطلاعات لازم با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر از دبیران دین و زندگی مقطع متوسطه دوم شهرستان کاشان که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، جمع‌آوری و سازمان‌دهی شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات به‌دست‌آمده از روش مرحله هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. نتایج حاصله نشان داد که از دیدگاه دبیران حوزه برنامه درسی دین و زندگی مقطع متوسطه دوم نظام آموزشی کشور مجموعاً با دو مانع اصلی یعنی مشکلات آموزشی (مسائل مرتبط با مدرسه و عوامل درسی و آموزشی) و چالش‌های غیر آموزشی (واقعیت‌های بیرون از محیط مدرسه) مواجه است. این موانع که البته هر یک دارای طبقات فرعی خاص خود هستند، در عمل باعث می‌شوند برنامه درسی دین و زندگی مقطع متوسطه فاقد کارکردهای مورد انتظار تربیتی و تأثیرات مثبت بر روی یادگیری‌های دینی و اخلاقی دانش‌آموزان باشند. بدیهی است به‌کارگیری راهکارهای علمی جهت حل مشکلات مذکور می‌تواند باعث کارآمدی هر چه بیشتر نظام آموزشی کشور در درس دین و زندگی شده و دانش‌آموزان را نیز از فضایل دینی موردنظر بهره‌مند سازد.

کلیدواژه‌ها: دین و زندگی؛ برنامه درسی؛ مشکلات آموزشی؛ چالش‌های غیر آموزشی؛ دوره متوسطه دوم.

مقدمه و بیان مسئله

بدون تردید یکی از مهم‌ترین کارکردها و مسئولیت‌های نظام آموزشی کشور ایران تلاش در مسیر تربیت دینی^۱ شایسته و مناسب دانش‌آموزان پایه‌ها و مقاطع تحصیلی گوناگون است تا از این طریق آن‌ها از شناخت‌ها، نگرش‌ها و سجایای رفتاری و اخلاقی لازم برخوردار شده و بتوانند در آینده‌ای نزدیک به‌عنوان یک بزرگ‌سال معتقد و متعهد به وظایف و مسئولیت‌های خطیر فردی و اجتماعی خود عمل کنند. اصولاً باید پذیرفت که آموزش ارزش‌ها یکی از اهداف مهم نظام‌های آموزشی است، چراکه این نظام‌ها همواره در پی آن هستند که فرهنگ و ارزش‌های معمول و موردنظر خود را به نسل‌های آینده منتقل سازند (خسروی و باقری، ۱۳۸۷: ۸۲). از این منظر، تربیت دینی به‌عنوان یک قلمرو ارزشی مهم و متأثر از فرهنگ و هنجارهای هر جامعه موردتوجه جدی قرار می‌گیرد. درعین‌حال، اهمیت و جایگاه تربیت دینی به‌عنوان یک قلمرو ارزشی مهم متأثر از نقش و تأثیر مثبتی است که دین در عرصه‌های گوناگون فردی و اجتماعی واجد آن است. به‌عبارت‌دیگر، دین پدیده‌ای تأثیرگذار بر زندگی انسان در همه جوامع و در همه زمان‌های زندگی بشر بوده و هیچ جامعه‌ای نیست که صورتی از دین ورزی در آن وجود نداشته باشد (مرادی، ۱۳۹۳: ۲۴). از این‌رو، تلاش در جهت رشد و پرورش مذهبی دانش‌آموزان و یا تربیت دینی آنان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و درعین‌حال شناسایی تنگناها و مشکلاتی که این حوزه مهم با آن مواجه است نیز به همین اندازه دارای ضرورت است.

مبانی نظری

می‌توان گفت تربیت دینی به‌عنوان یکی از قلمروهای مهم تربیتی نقش مهمی در تحقق شکوفایی و کمال دانش‌آموزان داشته و زمینه را برای ربوی شدن متربی فراهم می‌سازد (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸: ۹۲). قاسم پور دهاقانی و نصر اصفهانی (۱۳۹۰: ۸۳) با استناد به دیدگاه اسلی^۲ یادآوری می‌کنند که تربیت دینی به شرط فرآیند محور بودن به تحریک و رشد بصیرت معنوی و باورها منجر می‌شود. زیرا این حوزه دربرگیرنده فراهم‌سازی موقعیت‌هایی نظیر یادگیری آموزه‌ها و اعمال دینی و مطالعه متون مقدس و... می‌تواند شناخت به جایگاه انسانی، کاوش احساسات ناشی از

1. Religious Education

2. Slee

شکست و جدایی، تفریح، جشن، قیامت و روز رستاخیز در زندگی روزمره را ایجاد کند. در عین حال، باید به خاطر داشت که تربیت دینی در معنای وسیع و گسترده خود صرفاً محدود به مسائل اعتقادی معنوی و اخلاقی نمی شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می دهد (زارعان، ۱۳۷۹: ۱۰).

بدیهی است پرورش جنبه های دینی و معنوی دانش آموزان که به گفته مایر^۱ علاوه بر علم و تخصص نیاز شدیدی به اخلاق واقعی و معنویت داشته (صمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۱) و در عمل تحت الشعاع آموزش علوم و مهارت ها در نظام های آموزشی قرار می گیرند (نهادنویان، ۱۳۸۶) در خلاء اتفاق نمی افتد، بلکه نیاز به بسترهای مناسب در درون ساختارهای فرهنگی و آموزشی جامعه دارد تا از طریق به کارگیری آن ها فرصت های لازم برای تحقق اهداف مرتبط با رشد دینی و اخلاقی فراگیران ممکن شود. البته ضرورت این کار در نظام های آموزشی جوامعی همچون جامعه ایران که دارای دغدغه ها و رویکردهای دینی هستند، بیشتر است. واقعیت آن است که در جوامع دینی، نگاه دین محور نگرش برنامه ریز درسی را نسبت به جهان، انسان و اجتماع شکل داده و محتوای برنامه های آموزشی در این جوامع باید با معرفت دینی همخوانی داشته باشد (موسی پور، ۱۳۹۵: ۱۱۸). بنابراین، از مدارس و مراکز آموزشی این انتظار است که اقدامات لازم را برای پرورش دینی و مذهبی یادگیرندگان انجام دهند. در واقع، در یک جامعه اسلامی آموزش مهارت های دینی و اخلاقی در رأس و سرلوحه تمام آموزش های فردی قرار داشته و دانش آموزان به عنوان آینده سازان جامعه باید یاد بگیرند که چگونه بر مبنای الگوی دین اسلام با موقعیت های واقعی زندگی مواجه گردند (میرعارفین، ۱۳۹۰: ۸۸). در اشاره به همین معناست که ابراهیم زاده (۱۳۸۳) نیز هدف تربیت در اسلام را رساندن به مقام قرب الهی از طریق تحقق استعداد های بالقوه و پرورش متوازن و متعادل انسان می داند تا بتواند متخلق به اخلاق الهی و انبیا و اولیا شود.

طبعاً در همین راستاست که محتواهای آموزشی مرتبط به وسیله متخصصان مواد آموزشی و برنامه ریزان درسی مربوطه تدوین و طراحی شده و عموماً در قالب کتاب های درسی توسط معلمان و دبیران گوناگون در موقعیت های یاددهی و یادگیری یعنی کلاس های درس آموزش داده می شوند. باید گفت در همه نظام های آموزش و پرورش به ویژه آن دسته از نظام های آموزشی که

1. Mayer

دارای ساختار متمرکز^۱ هستند، از جمله نظام آموزش و پرورش ایران کتب درسی محور اصلی آموزش و یادگیری رسمی مدرسه را تشکیل داده (میرزا بیگی، ۱۳۸۹: ۳۶) و به عنوان اولین، عمومی ترین و پرمصرف ترین ابزار کار معلم باید تصویری صادقانه و کامل از آرمانها و مقاصد تعلیم و تربیت ارائه دهند (معیری، ۱۳۹۰: ۵۶). در واقع، کتابهای درسی به عنوان مهم ترین ابزار آموزشی در همه سطوح در دستیابی به اهداف آموزشی و اطلاع رسانی نظام آموزشی کارکرد اساسی دارند (رضی، ۱۳۸۸: ۲۱).

با توجه به نکات فوق، کتب درسی «دین و زندگی» توسط مؤلفان و برنامه ریزان مربوطه به عنوان محور اصلی آموزش و انتقال آموزه های دینی، مذهبی و اخلاقی به دانش آموزان طراحی و تدوین شده اند. میرعارفین (۱۳۸۶: ۱۱۵) به این نکته اشاره می کند که کتابهای درسی دین و زندگی از اوایل دهه ۱۳۸۰ با تلفیق محتواهای دو کتاب دینی و قرآن تولید شده و هدف اصلی آن استفاده از آیات قرآن کریم و تقویت توانایی درک معنای عبارات و تفکر و تدبر در آیات قرآن کریم توسط دانش آموزان بوده است. به علاوه، در آن فرصتی برای ارتباط و پیوند مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی با متن زندگی فراهم شده تا از طریق آن نیازهای زندگی مخاطبان برنامه درسی مذکور به لحاظ معارف دینی اسلامی تأمین شود. از سوی دیگر، در نظام آموزش و پرورش کشور ما به عنوان ساختاری که دغدغه های دینی خاص خود را دارد، تربیت دینی در برنامه درسی ملی (۱۳۹۱: ۱۱) هم بازتاب لازم را یافته و در آن با اشاره به مفهوم حیات طیبه و ارزش های فرهنگی و تربیتی و آموزه های دینی و قرآنی جامعه تأکید شده که محتوای آموزشی باید دربرگیرنده فرصت ها و تجارب آموزشی باشد که زمینه شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلانی و فعلیت یافتن عرصه های مختلف دانش آموز را به گونه ای پیوسته فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

علیرغم اهمیت کارکردهای دینی و مذهبی نظام آموزشی کشور تأمل در واقعیات جاری برنامه درسی دین و زندگی که در پژوهش های مختلف انعکاس یافته است، نشانگر آن است که این حوزه با مشکلات و چالش های گوناگونی مواجه بوده و همین امر باعث شده که فرآیند آموزش و

درونی شدن آموزه های دینی در فراگیران و فارغ التحصیلان نظام آموزشی کشور با محدودیت های خاص خود همراه باشد. مهر محمدی و صمدی (۱۳۸۰: ۲۴۸) با اشاره به نتایج برخی تحقیقات، نامطلوب بودن وضعیت آموزشی دینی مدارس را از نظر برنامه ریزی درسی، نیروی انسانی و امکانات آموزشی مورد توجه قرار داده و تأکید کرده اند که این مشکلات احساس بیزاری و دل زدگی دانش آموزان را نسبت به درس دینی دامن زده است. یافته های پژوهشی میرعارفین (۱۳۸۶: ۸۷) در زمینه نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی دین و زندگی سال سوم دبیرستان نشان داد که اگرچه منابع مختلف اطلاع رسان از تناسب میان محتوای کتاب و مؤلفه های مورد نظر سخن گفته اند، با این همه از نظر آن ها موارد قابل توجهی در کتاب مذکور وجود دارد که نیاز به اصلاحات و تغییرات ضروری دارد. یافته های پژوهشی منطقی (۱۳۸۸: ۵۲) نیز بیانگر آن بود که محتوای کتاب دینی سوم راهنمایی به نیازهای عاطفی، روانی و اجتماعی دانش آموزان توجه مناسبی نداشته است. تحقیق عبدلی سلطان احمدی و همکاران (۱۳۹۱: ۶۱) نشان داد که اگرچه میزان پاسخگویی کتاب دین و زندگی سال دوم متوسطه به نیازهای معنوی دانش آموزان مناسب است ولی این کتاب به برخی نیازهای روانی فراگیران از جمله محبت و ابراز وجود، امنیت، داشتن هدف و نظم جویی در حد مطلوب پاسخ نداده و به طور معناداری با رفع این نیازها فاصله دارد. عبدلی سلطان احمدی و همکاران (۱۳۹۲: ۷) در پژوهش دیگری نشان دادند که میزان توجه درس دین و زندگی به مؤلفه های نیازهای معنوی دانش آموزان پایین تر از حد متوسط بوده و ضرورت دارد که جهت تأمین سعادت و کمال اخروی یادگیرندگان در این کتب اصلاحات لازم از نظر توجه به مقوله معنویت اعمال گردد. رضوی و همکاران (۱۳۹۴: ۶۱) نیز در تحقیق خود نتیجه گیری کرده اند که اصول و روش های تربیتی در کتب چهار پایه تحصیلی متوسطه به طور معنادار متفاوت به کار گرفته شده اند و غیر از پایه اول در همه پایه ها محتوای این کتاب بیشتر به اصول تعقل و عدالت پرداخته و متن درس ها بیشتر جنبه عقلانی، احساسی و تهییجی دارد. سلطانی (۱۳۹۷: ۱) در تحقیق خود گزارش کرده که یافته های حاصله نشان دهنده آن است که دانش آموزان دیدگاه مناسبی نسبت به درس زندگی دین و زندگی نداشته و حتی باورهای دینی آن ها ضعیف تر شده است. پژوهشگر مذکور تصریح می کند که می توان با کاربرد روش های فعال همچون پرسش و پاسخ و پیوند زدن مطالب درس دینی با واقعیت های روزمره زندگی تا حدودی مشکلات این درس را حل کرد. حیدر پور و همکاران (۱۳۹۷: ۳۵) در تحقیق خود نشان داده اند که در راهنمای برنامه درسی دین و زندگی دوره

متوسطه دوم بیشتر به نگرش‌ها و ارزش‌های اسلامی توجه شده ولی در آن از بعد عینی و کاربردی سبک زندگی اسلامی و ایرانی خبری نیست. پژوهش زینال پور و کیهان (۱۳۹۷: ۶۹) نیز نشان داد که چهار عامل اصلی یعنی الگوسازی، سبک زندگی، رسانه‌های آموزشی و حضور در اماکن و مناسبت‌های مذهبی مهم‌ترین شیوه‌های آموزش مذهبی والدین به دانش‌آموزان در مقطع پیش‌دبستانی است. این پژوهشگران بر لزوم توجه هر چه بیشتر والدین به مقوله آموزش‌های دینی با توجه به شکاف نسلی و تغییرات نوپدید اجتماعی تأکید کرده‌اند.

به هر حال، با توجه به مبانی نظری و پژوهشی فوق و با عنایت به تأکیدات و ملاحظات گوناگون متأثر از نقش دین در جامعه ایران ضرورت جدی وجود دارد که قلمرو برنامه درسی دین و زندگی به عنوان یکی از عرصه‌ها و کارکردهای ویژه نظام آموزشی کشور از اثربخشی و کارآمدی بیشتری برخوردار شود تا بتوان حاصل آن را در قالب فراگیران و دانش‌آموختگانی مشاهده کرد که از تقیدات و رفتارهای مطلوب دینی برخوردار بوده و نقشی مؤثر در ایجاد یک جامعه سالم ایفا می‌کنند. این امر قطعاً مستلزم شناسایی موانع موجود و تلاش در مسیر حل و رفع آن‌هاست. با چنین نگاهی، تحقیق حاضر در پی آن است تا به بررسی و ارزیابی مشکلات موجود بر سر راه تدریس برنامه درسی دین و زندگی مقطع متوسطه دوم بر مبنای دیدگاه‌ها، ادراکات و تجارب زیسته دبیران این درس که از نزدیک با فرازوفرودهای آن آشنایی دارند، بپردازد تا از این طریق تصویری روشن‌تر از واقعیت‌های عملی و اجرایی آن در مراکز آموزش متوسطه فراهم ساخته و درعین حال بسترهای ذهنی و عملی لازم را برای اعمال اصلاحات و تغییرات ضروری این حوزه فراهم سازد.

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به هدف و جهت‌گیری اصلی آن، تلاش شده تا با اتکا به سنت پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی تفسیری، تجارب زیسته و اندیشیده دبیران دین و زندگی از مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های موجود آموزش درس مذکور واریسی و مورد مفهوم‌پردازی و شناسایی قرار گیرد. باید به خاطر داشت که در تحقیق پدیدار شناختی پاسخ به این سؤال مهم مورد تأکید است که آیا نیازی به تصریح و روشن‌سازی بیشتر یک پدیده خاص وجود دارد (عابدی، ۱۳۸۹: ۲۰۸). در واقع، هدف اصلی محقق در طرح پژوهش پدیدارشناسی آن است که معنا و مفهوم هر پدیده را از دیدگاه گروهی خاص بررسی کند و لذا افرادی انتخاب می‌شوند که نسبت به آن پدیده تجربه

لازم را داشته باشند (بازرگان، ۱۳۹۳). درعین حال، پدیدارشناسی تفسیری نیز به دنبال بررسی نحوه تجربه یک پدیدار خاص در یک بستر زمانی و مکانی به خصوص بوده و برون داد آن ارائه چندین دسته یا طبقه از مضامین است که نشانگر تجارب متفاوت افراد از یک پدیده است (سلیمی و شرفی، ۱۳۹۴: ۴). اطلاعات مورد نظر این تحقیق از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند^۱ با ۲۰ دبیر دین و زندگی دوره متوسطه دوم شهرستان کاشان طی سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ که سابقه کار ۱۰ سال به بالا داشته و از طریق روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده بودند، جمع آوری شد. رشته تحصیلی ۱۶ نفر از دبیران، الهیات چهار نفر هم از رشته های دیگر (سه نفر ادبیات عرب و یک نفر ادبیات فارسی) بود. به دبیران مشارکت کننده ضمن بیان توضیح هدف پژوهش، تأکید شد که هیچ گونه محدودیت و اجباری برای مصاحبه وجود نداشته و با اعتماد و علاقه در این تحقیق شرکت و ادراکات خود را راحت و صمیمانه در میان بگذارند. از این گذشته، علاوه بر معیار سابقه کار در انتخاب مشارکت کنندگان یا منابع اطلاع رسان دبیرانی انتخاب شدند که ضمن داشتن تمایل لازم، قدرت بیان و تجزیه و تحلیل مناسب مسائل آموزشی را داشته و قادر به انتقال صریح تجارب و ادراکات خود در زمینه مشکلات درس دین و زندگی بودند. در شناسایی این دبیران از کمک و راهنمایی کادر مدیریت مدارس متوسطه دوره دوم استفاده شد. همچنانکه گفته شد ابزار جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته بود. گال، بورگ و گال (۱۳۹۰) معتقدند داده ها و اطلاعات به دست آمده از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند در مقایسه با آنچه که از طریق سایر مصاحبه ها به دست می آید، عمق بیشتری دارد. در خلال انجام مصاحبه ها به دبیران مشارکت کننده فرصت کافی داده شد تا به تشریح دقیق تجارب و برداشت های خود در مورد مشکلات درس دین و زندگی پرداخته و ادراکات خاص خود را در این زمینه تبیین و مفهوم پردازی کنند. مصاحبه ها طی مدت زمان ۳۰ تا ۴۰ دقیقه در دفاتر دبیرستان ها انجام گرفت. اطلاعات مورد نظر پژوهش با عنایت به اصل اشباع نظری جمع آوری و سازمان دهی گردید. لازم به ذکر است اشباع نظری زمانی اتفاق می افتد که محقق درمی یابد ادامه مصاحبه ها هیچ داده جدیدی را به داده های قبلی اضافه نمی کند. به عبارت دیگر، پژوهشگر بدین نتیجه برسد که در مرحله ای از کار به مفاهیم و پاسخ های مشابه دست یافته و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند. دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۳) نیز به این نکته اشاره می کنند که معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه گیری

هدفمند، اشباع یا کفایت نظری است.

به علاوه، طی زمان اجرای مصاحبه‌ها تلاش گردید تا با طرح مصادیق مرتبط با پرسش محوری تحقیق به مثابه نقاط عطف گفتگو^۱، هدایت جریان مصاحبه به مسیر مورد نظر فراهم و تثبیت شده تا از فرو کاستن پاسخ‌ها به حوزه‌های نامربوط و طرح داده‌های سطحی و کم‌اهمیت جلوگیری شود. واحد تحلیل در این تحقیق، واژه‌ها، عبارات و جملاتی بودند که به نوعی به مشکلات درس دین و زندگی مرتبط بوده و یا بدان اشاره داشتند. پس از انجام مصاحبه‌ها، متن آن‌ها دقیقاً تحریر شده و سپس محتوای آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در واقع، پس از اجرای مصاحبه‌ها پژوهشگر مکالمه‌های ضبط شده را به متون نوشتاری تبدیل و مورد مطالعه دقیق قرار داد. با استفاده از راهبرد مطالعه جمله به جمله اطلاعات جمع‌آوری شده، واژه‌ها و عبارات اصلی مرتبط با موضوع (مشکلات و چالش‌های درس دین و زندگی) شناسایی و کدگذاری شده و مفاهیم مرتبط با آن‌ها استخراج و تدوین گردید. برای انجام این کار از روش هفت مرحله‌ای کلایزی^۲ استفاده شد. این هفت مرحله شامل خواندن دقیق کلیه توصیف‌ها و یافته‌های مهم شرکت‌کنندگان، استخراج عبارات بااهمیت و جملات مرتبط با پدیده، مفهوم بخشی به جملات مهم استخراج شده، مرتب‌سازی توصیفات شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص، تبدیل کلیه عقاید استنتاج شده به توصیفات جامع و کامل، تبدیل توصیفات کامل پدیده به یک توصیف واقعی خلاصه و مختصر و مراجعه به شرکت‌کنندگان برای روشن نمودن ایده‌های به دست آمده و موثق نمودن یافته‌هاست. جهت تعیین روایی و پایایی داده‌ها از سه معیار مورد نظر صاحب‌نظران پژوهش‌های کیفی یعنی قابل قبول بودن^۳، قابلیت اطمینان^۴ و تأیید پذیری^۵ (منصوریان، ۱۳۹۱) استفاده شد. جهت قابل قبول بودن و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای تمامی دبیران مشارکت‌کننده ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آن‌ها با مطالب ذکر شده و یافته‌های پژوهش مشخص شود. به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها تلاش گردید تا فرآیندها و تصمیمات مربوط به پژوهش به‌طور واضح در متن پژوهش تشریح شود. برای تأیید پذیری نتایج نیز

1. Turning Points of Dialogue

2. Colaizzi

3. Credibility

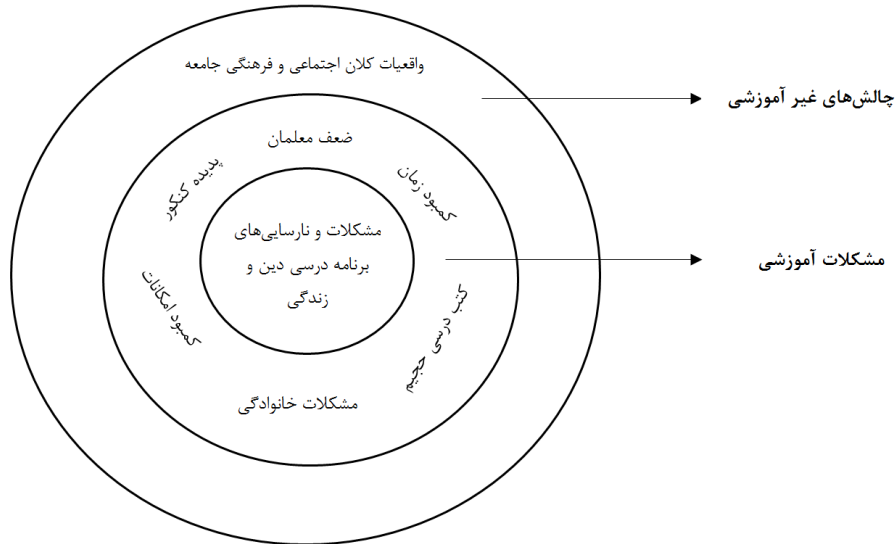
4. Dependability

5. Conformability

یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شده و با استناد به بحث‌های نظری در تبیین آن‌ها اقدام گردید.

یافته‌ها

در فرآیند کدگذاری اطلاعات تحقیق، بعضی از کدها یا همان مفاهیم و مضامین به‌طور مستقیم از متن گفته‌های دبیران گرفته شدند (کدهای بروز یابنده) و برخی دیگر را پژوهشگر با توجه به مبانی نظری و پیشینه اطلاعاتی خود تدوین کرد (کدهای محقق ساخته). در واقع، محقق از طریق تعمق و ژرف‌اندیشی در محتوای مصاحبه‌ها و ادغام موارد مشابه نهایتاً توانست هفت مفهوم اساسی را که توضیح‌دهنده مشکلات اصلی درس دین و زندگی مقطع متوسطه دوم است، شناسایی نماید. این هفت مفهوم اصلی شامل ضعف و ناتوانی برخی معلمان، تأثیرات مخرب پدیده کنکور، مشکلات کتب درسی دین و زندگی، کمبود زمان تدریس، واقعیات کلان حاکم بر جامعه و ادراک آن‌ها توسط دانش‌آموزان متوسطه، نقش خانواده و کمبود امکانات کمک‌آموزشی بودند. در مرحله بعدی، با تعمق و تأمل بیشتر بر روی هفت مفهوم یا عامل مذکور، مشخص شد که کل تجارب و ادراکات دبیران در مورد مشکلات درس دین و زندگی را می‌توان در دو مقوله یا طبقه موضوعی کلان یعنی مشکلات آموزشی و درسی و چالش‌های غیر آموزشی (فرا مدرسه‌ای) قرار داد که نوعاً از پوشش و شمول مفهومی لازم برخوردار هستند. مشکلات آموزشی و درسی شامل تنگناها و موانعی است که مرتبط با متغیرهای تحصیلی و آموزشی بوده و ضعف و ناتوانی برخی معلمان، پدیده کنکور، کتاب درسی، کمبود زمان آموزش و ناکافی بودن امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی را در بر می‌گیرد. در مقابل، چالش‌های غیر آموزشی یا فرا مدرسه‌ای به نقش و تأثیر عوامل اجتماعی و خارج از محیط مدرسه بر کارکرد نظام آموزشی توجه داشته و ناظر بر اثرگذاری آن‌ها بر ابعاد گوناگون تربیت دینی دانش‌آموزان است. این چالش‌ها نیز شامل دو عامل یعنی واقعیات کلان اجتماعی - فرهنگی جامعه و مسائل خانوادگی است (شکل شماره یک).



شکل ۱. مشکلات و نارسایی‌های برنامه درسی دین و زندگی

به نظر می‌رسد دو طبقه مذکور می‌توانند توصیفی مناسب و واقع‌بینانه از مشکلات درس دین و زندگی در مقطع متوسطه دوم که بیانگر هدف و سؤال اصلی این تحقیق بوده است را بازنمایی و ارائه نمایند.

الف: مشکلات آموزشی و درسی

همچنانکه از نام آن برمی‌آید این طبقه عمدتاً نقش متغیرهای درسی و تحصیلی موجود در مدرسه را به‌عنوان مهم‌ترین موانع کارآیی و اثربخشی آموزش‌های دینی دانش‌آموزان مورد توجه قرار می‌دهد. این مشکلات شامل ضعف و ناتوانی برخی دبیران، حاکمیت پدیده کنکور در مدارس متوسطه، حجیم بودن کتاب درسی، کمبود زمان آموزش در برنامه هفتگی دانش‌آموزان و ناکافی بودن امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی است. در زیر این مشکلات به همراه برخی روایت‌های دبیران ارائه و مستندسازی شده است.

۱- معلمان و مشکلات آنها:

بر مبنای تجارب و روایت‌های مطرح‌شده توسط دبیران دین و زندگی، یکی از مشکلات مهم درس مذکور ضعف و ناآمادگی برخی دبیران است که به نحو چشمگیری اثرگذاری این درس را

بر روی دانش آموزان کاهش داده است. به گفته دبیران، بعضی معلمان دین و زندگی اثرگذاری لازم را بر روی دانش آموزان به عنوان یک الگوی رفتاری و اخلاقی نداشته و برخی دیگر حتی توان پاسخگویی علمی به سؤالات جدی دانش آموزان متوسطه در زمینه مسائل اعتقادی و دینی را هم ندارند. به علاوه، عموماً از روش های تدریس سنتی و سخنرانی برای تدریس استفاده می کنند که برای بچه ها جذابیت ندارد. معلم شماره یک می گوید: «یک دبیر دین و زندگی برخلاف بقیه معلمان، خودش باید الگوی اخلاق و رفتار مناسب باشد. ولی برخی از همکاران این نکته را در نظر نمی گیرند و بعد هم گله می کنند که چرا دانش آموزان به حرف آن ها گوش نمی دهند. باور کنید خود ما بسیار مقصریم!» معلم شماره ۲۰ در این مورد تأکید می کند: «بعضی دبیران دین و زندگی در درک مطالب مذهبی و شرعی مشکل دارند و هنوز به اعتقاد و باور قلبی نرسیده و وسط هوا و زمین آویزان هستند! این همکاران چطور می توانند دانش آموزان را به ساحل نجات یا آرامش دینی برسانند. خودشان دچار مشکل هستند و لذا نمی توانند کار چندانی را پیش ببرند.» معلم شماره ۱۵ هم می گوید: «دانش آموزان الان فقط با زبان خوش و حفظ کرامت با تو راه می آیند. درس دادن صرف به بچه های امروزی فایده ای ندارد. برای اینکه این درس در زندگی فراگیران تأثیرات واقعی داشته باشد، باید دین دار بود نه دیندان! دیندان زیاد داریم ولی دین دار کم است. بچه ها معلمی را که فقط شعار بدهد، دوست ندارند. بچه ها دنبال معلمی هستند که حرفش را در عمل ببیند.» و معلم شماره شش نیز خاطر نشان می سازد: «معلم دین و زندگی باید به موضوع دین و مسائل مربوط به آن اشراف علمی کامل داشته باشد. بعضی وقت ها پیش می آید که دبیر از جهت علمی آن قدر کامل نیست که بتواند سؤالات دانش آموزان را پاسخ دهد و روش صحیح استدلال را به دانش آموز یاد دهد. بنابراین چگونه ما انتظار داریم که دانش آموزان مطالب عمیق دینی را یاد گرفته و استدلال منطقی را بپذیرند؟»

۲- کنکور و تأثیرات مخرب آن:

واقعیت آن است که پدیده کنکور و نحوه رویکرد نظام آموزشی، خانواده ها، مدیریت مدارس و خود دانش آموزان به آن یکی از مشکلات اصلی آموزش دروس مختلف از جمله درس دین و زندگی در مقطع متوسطه دوم است که باعث شده عملاً درک عمیق مفاهیم دینی و قرآنی در کلاس های این درس کم رنگ شده و بحث و گفتگوی معنادار پیرامون مطالب کتاب درسی قربانی

کنکور و کسب تبحر در فنون تست‌زنی و تشخیص گزینه درست و آزمون‌های تستی گردد. دبیر شماره سه در این باره می‌گوید: «ای کاش درس دینی اصلاً در کنکور نبود. این موضوع را بنده به طور جدی در جلسه گروه آموزشی مطرح کردم که واقعاً کنکور برای ما مشکل اصلی شده است و آن قدر ذهن بچه‌ها درگیر تست شده که تدریس کتاب و پرسش و پاسخ کلاسی را وقت تلف کردن می‌دانند! و می‌خواهند تست کار کنند. لذا از اصل و فهم مطلب دور شده و بیشتر به فرع می‌چسبند و از طرف دیگر تقصیری هم ندارند، چون سال به سال تست‌ها سخت‌تر شده و کارشان دشوارتر.» دبیر شماره پنج می‌گوید: «یک ویرگول یا «او» جواب تست را تغییر می‌دهد! چرا طراحان سؤالات کنکور تا این حد جزئی‌نگر شده‌اند؟ به همین خاطر است که فراگیر هم ناچار به این سو کشیده می‌شود که جزء به جزء مطالب را برای کنکور حفظ کند تا در رقابت دشوار آن موفق شود. تا وقتی دست‌اندرکاران اصلی نظام آموزشی مشکل یا غول کنکور را حل نکنند، نمی‌توان توقعی غیر از این از بچه‌های متوسطه داشت.» دبیر شماره ۱۹ هم سودجویی مؤسسات آموزشی کنکور را یکی از نتایج حاصل از افراط در توجه به کنکور مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «اصلاً همه چیز در دبیرستان‌ها تحت نظر مؤسسات آموزشی کنکور است. مگر می‌شود منافع اقتصادی این مؤسسات تأمین نگردد؟! چه کسی درس خواندن واقعی و یادگیری مطالب دینی در رفتار و اخلاق دانش‌آموزان را مورد توجه قرار می‌دهد؟ آنچه مهم است این چرخه عظیم مالی است و گویا خود آموزش و پرورش هم مایل به ادامه چنین مناسباتی است!» دبیر شماره چهار نیز در این زمینه می‌گوید: «آیا اعتقادات دانش‌آموز با جواب دادن به انواع و اقسام تست‌های دشوار درست می‌شود؟ پاسخ به این سؤالات مشکل هیچ تأثیری در رفتار آن‌ها ندارد و فقط باعث می‌شود که آنان مطالب درس را حفظ کنند تا جواب تست‌ها را بدهند. کنکور، آموزش و پرورش را زندان سؤالات خود کرده است!»

۳- نارسایی‌های کتاب درسی دین و زندگی:

کتاب درسی دین و زندگی از نظر حجیم و سنگین بودن مطالب و مباحث آن، چیدمان نامناسب مطالب دروس و لحاظ نکردن پیش‌نیازها، ناهمخوانی با زمان موجود در برنامه هفتگی دانش‌آموزان، وجود مطالب غیر کاربردی و کلیشه‌ای و ... با مشکلات خاص خود مواجه بوده و باعث شده که دبیران این درس با تردید نسبت به اثرگذاری عملی آن بر روی دانش‌آموزان

برخورد کنند. دبیر شماره چهار در این زمینه می‌گوید: «واقعیت آن است که مطالب کتاب نیز دارای چیدمان و سازمان‌دهی درستی نیست و یا مطالبی آورده شده که هیچ اهمیتی ندارد. به‌عنوان مثال، تاریخچه نقل یک حدیث آورده شده درحالی که این موضوع اهمیتی ندارد. لذا در محتوای کتاب‌ها باید یک تجدیدنظر اساسی بشود. اگر در سازمان‌دهی مطالب به نحوه و چگونگی تفکر و شکل‌گیری اعتقادات دینی توجه درست شود، چه‌بسا که باید بسیاری از مطالب کنونی کتاب دین و زندگی حذف شده و مطالب دیگری جایگزین آن شود.» دبیر شماره ۱۷ هم این مشکل را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «یکی از مشکلات اصلی از نظر من چیدمان نادرست دروس کتاب دین و زندگی است. اول از تاریخچه و بیان نکات فرعی پیرامون موضوع شروع شده و بعد که خوب و کامل معرفی می‌شوند، سراغ مطلب اصلی می‌روند. درحالی که از نظر روانشناسی می‌دانیم زمان مفیدی که دانش‌آموز مطالب را یاد می‌گیرد، همان ۲۰ دقیقه اول کلاس است اما با توجه به این چیدمان نادرست ۲۰ الی ۳۰ دقیقه اول به توضیح مطالب تاریخی و تاریخچه می‌گذارد و بعد از آنکه دانش‌آموز کوششی برای جذب مطالب دیگر ندارد، تازه مطلب اصلی آغاز می‌شود! اینجاست که دیگر دانش‌آموز انگیزه‌ای برای یادگیری و پیگیری مطالب ندارد.» معلم شماره شش نیز در این باره می‌گوید: «من کلاً با چارچوب کتاب‌های دینی از دوره ابتدایی که تحت عنوان هدیه‌های آسمان است تا دبیرستان که به نام دین و زندگی است، مخالفم. دانش‌آموزان از همان کلاس اول به‌صورت ناصحیح با خدا آشنا می‌شوند و بدون شناخت درست از خدا به کلاس‌های بالاتر می‌روند و با دریافت مطالب گوناگون به کلاس هشتم و نهم می‌رسند و تازه از خودشان می‌پرسند که خب، مطالب این کتاب‌های دینی چه به دردم می‌خورد؟!» دبیر شماره ۱۶ هم می‌گوید: «مباحث کتاب دین و زندگی هم برای دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی و هم برای علوم تجربی و ریاضی سنگین است. دلیل آوردن این همه مطلب سخت برای چیست؟ تازه درس قرآن را هم با دین و زندگی تلفیق کردند که خود معضل بزرگ‌تری به وجود آورده‌اند! خواندن این همه مطلب کتاب تأثیری بر دین‌دار شدن بچه‌ها ندارد که هیچ، آن‌ها را از سایر مطالب هم روی گردان می‌کند. کتاب اصلاً جذاب نیست و خواننده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.»

۴- کمبود زمان در برنامه هفتگی:

زمان ناکافی درس دین و زندگی در برنامه هفتگی دبیرستان به‌عنوان یک مشکل جدی از

جانب دبیران مطرح شده است. به نظر می‌رسد محتوای سنگین و حجیم این کتاب چندان با زمان موجود در برنامه هفتگی دانش آموزان سنخیت و هماهنگی ندارد. دبیر شماره هفت در این مورد می‌گوید: «در خصوص وقت و زمان درس دینی برای بچه‌های علوم تجربی و ریاضی دو ساعت زمان قرار دادند که در این دو ساعت، معلم هم باید درس بدهد و هم درس پرسد، پیام آیات را بگوید و اگر بچه‌ها بخواهند این پیام‌ها را یادداشت کنند مقدار زیادی از زمان کلاس گرفته می‌شود. در کتاب دینی بخش‌هایی مثل تدبر در قرآن، تفکر در حدیث، تفکر در آیه، اندیشه و تحقیق و... وجود دارد که اگر دبیر بخواهد هر کدام از این بخش‌ها را در کلاس کار کند و پاسخ آن را بدهد، همه زمان کلاس گرفته می‌شود. بنابراین، ما همه با مشکل کمبود وقت مواجهیم و باید وقت کلاس بسیار بیشتر از اینی که هست، باشد.» معلم شماره ۱۴ نیز به همین مشکل اشاره می‌کند: «در قیاس با رشته‌های علوم تجربی و ریاضی، رشته‌های علوم انسانی وقت بیشتری دارند. ولی باز هم کم می‌آوریم. کتاب دینی با مباحث قرآن تلفیق شده و اکثر همکاران من در کلاس به تدریس قرآن نمی‌رسند و به علت کمبود وقت نمی‌توانند یک تدریس خوب داشته باشند. به همین خاطر دانش آموزان ما در زمینه روخوانی و روان‌خوانی قرآن بسیار ضعیف هستند و حتی یک روخوانی ساده هم نمی‌توانند داشته باشند! ما در همین حد زمان داریم که فقط مطالب کتاب را خوانده و این مسئله منجر می‌شود که دانش آموزان خیلی از محتوای درس را به‌طور عمیق یاد نگیرند.» دبیر شماره ۱۲ نیز می‌گوید: «واقعاً زمان این درس در برنامه هفتگی دبیرستان کم است. مخصوصاً اگر بخواهیم با روش پرسش و پاسخ تدریس را ادامه دهیم. تا یک سؤال را مطرح می‌کنیم و می‌خواهیم بحث کنیم، زمان کلاس تمام می‌شود. در نهایت در این وقت کم دبیر مجبور می‌شود سروه قضیه را به هم آورد!» دبیر شماره ۱۹ نیز خاطرنشان می‌کند: «وقتی در درس دین و زندگی، درونی کردن باورها و اعتقادات مذهبی را به‌عنوان هدف اصلی انتخاب می‌کنیم و باید بر روی آن مانور بدهیم، باید زمان کافی برای معلم وجود داشته باشد تا بتواند بر روی تحقق این هدف کار کند. من و همکاران فقط زمان داریم که مطالب کتاب را سریع مرور کرده و چند تا تست بزنیم.»

۵- کمبود امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی:

تنگناهای مدارس در زمینه تهیه امکانات و تجهیزات کمک‌آموزشی مشکل دیگر آموزش درس دین و زندگی است و محدودیت‌های خاصی را برای دبیران به وجود آورده است. دبیر

شماره هشت در این مورد می‌گوید: «خیلی از مدارس امکانات مناسبی ندارند و این برای معلم یک مانع می‌شود. گاهی برای استفاده از یک روش یا نمایش تصاویر و فیلم باید کلاس را جابجا کنیم و یا وسایل جدیدی را به کلاس بیاوریم که غالباً سخت است و در نهایت منصرف می‌شویم! مثلاً خود من گاهی می‌بینم که برای نمایش یک فیلم باید سیستم کامپیوتر را به کلاس آورد و خود مدیر یا کادر دفتر هم بدان نیاز دارند. به همین خاطر، در کلاس می‌مانیم و کار را پیش می‌بریم.» دبیر شماره شش تأکید می‌کند: «یکی از مشکلات اصلی ما کمبود امکانات و تجهیزات دبیرستان است که متأسفانه موارد زیادی را هم شامل می‌شود و نمی‌گذارد که ما درسمان را به صورت متنوع‌تر که برای بچه‌ها جذاب‌تر است، تدریس کنیم.» مدرسه معلم شماره ۱۵ نیز می‌گوید: «تنها وسیله و ابزار دم دست دبیران همین کتاب درسی دین و زندگی است. در دبیرستان شلوغ، امکانات کمک آموزشی برای نمایش فیلم وجود ندارد تا بتوانیم برخی مفاهیم دینی را از طریق هنری و نمایشی به بچه‌های انتقال دهیم. برای مدیر مدرسه هم فقط کنکور و تست‌زنی بچه‌ها و نصب پرده و بنر دانش‌آموزان برتر مهم است و به همین دلیل، اقدام خاصی را برای تهیه امکانات موردنیاز انجام نمی‌دهد. اگر این امکانات فراهم شود بهتر می‌توان مفاهیم دینی را به دانش‌آموزان انتقال داد.»

ب: چالش‌های غیر آموزشی (فرا مدرسه‌ای)

همچنانکه گفته شد چالش‌های غیر آموزشی عمدتاً شامل مسائل و معضلات خارج از محیط مدرسه است که بر روی یادگیری دانش‌آموزان و کارکردهای مختلف مدارس تأثیرات فراوانی بر جا می‌گذارد. در واقع، این چالش‌ها اگرچه ربط مستقیمی به واقعیت‌های آموزشی موجود مدارس متوسطه دوم ندارند ولی به خاطر ارتباط متقابلی که اصولاً میان نظام آموزشی و سایر نظام‌های موجود در جامعه وجود دارد، به انحاء گوناگون عملکرد معلمان و آموزش آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به ویژه در دروسی همچون درس دین و زندگی که ماهیت و سرشتی اعتقادی دارد، این چالش‌ها نقش بارزی در اثربخشی آموزش‌ها به خود اختصاص می‌دهند. به هر حال، در ذیل این مقوله دو عامل مهم یعنی واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی کلان جامعه ایران و شرایط و فضای حاکم بر خانه و خانواده‌های دانش‌آموزان مورد توجه و تأکید دبیران درس دین و زندگی قرار گرفته است.

۱- شرایط و واقعیات کلان اجتماعی و فرهنگی جامعه:

واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در سطح جامعه امروز ایران که در زندگی و تعاملات فردی و اجتماعی توسط افراد ادراک می‌شود، یکی از عوامل مهمی است که از دیدگاه دبیران بر روی اثرگذاری آموزش‌های دینی و مذهبی دانش‌آموزان تأثیر زیادی می‌گذارد. بر طبق روایت‌ها و تجارب بیان‌شده توسط دبیران دین و زندگی این واقعیات توسط یادگیرندگان مقطع متوسطه با توجه به سطح رشد ذهنی و انتزاعی آن‌ها درک و فهم شده و دیدگاه آن‌ها را نسبت به مطالب و مفاهیم کتاب درسی مخدوش می‌کند. معلم شماره یک می‌گوید: «از بس که افراط کردیم وضعیت دانش‌آموزانمان به این صورت درآمده است! در قرآن داریم که دین اسلام دین برتر شد چون دینی معتدل و اعتدال‌گراست. متأسفانه بچه‌ها را در تنگنا قرار داده‌ایم. افراط و تفریط موجود در سطح جامعه دین و دین‌داری دانش‌آموزان را لکه‌دار کرده است. عملکرد مسئولین هم که جای خود دارد!» دبیر شماره سه هم می‌گوید: «دانش‌آموزان مقطع متوسطه عملکرد مسلمان‌ها را به پای دین نوشته و عیوب و نواقص آن‌ها را ناشی از دین و مذهب می‌دانند. مثلاً در درس ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، کارکرد نامناسب مسئولان را می‌بینند و با اصولی که در این درس ذکر شده مقایسه می‌کنند و می‌گویند که چنین چیزی امکان ندارد. پس عملاً ذوق و علاقه و دانش‌آموزان فروکش می‌کند.» معلم شماره هشت نیز خاطرنشان می‌سازد: «این تفکر سطحی و نادرست است که مسئول و متولی اصلی آموزش سجایای اخلاقی فقط معلم دین و زندگی است. نه واقعاً این‌گونه نیست. الان در خارج از مدرسه یعنی در دل جامعه شرایط و مشکلاتی وجود دارد که کل آموزش‌های معلم در کلاس درس را بی‌اثر می‌کند. خب، این عوامل از قدرت و کنترل ما کاملاً خارج است.» معلم شماره ۱۶ نیز می‌گوید: «مشکلات اجتماعی و محیطی که دانش‌آموزان در آن قرار دارند، هم بسیار مؤثر است. دانش‌آموز که فقط یک درس دین و زندگی ندارد. اخبار و مشکلات جامعه هم هست. آن‌ها حرف‌های محیط بیرون را می‌شنوند و دچار شبهه و تردیدهای زیادی می‌شوند. ما کاری برای این قسمت نمی‌توانیم بکنیم، چون واقعاً دست دبیر و مدرسه نیست و بزرگان و برنامه‌ریزان مملکت باید فکری برای این مشکلات اجتماعی و فرهنگی بکنند.»

۲- خانواده و مناسبات حاکم بر آن:

عامل دوم در حوزه چالش‌های غیر آموزشی درس دین و زندگی از دیدگاه دبیران، تأثیر

خانواده و شرایط و ویژگی های حاکم بر محیط های خانوادگی است که دانش آموزان بخش قابل توجهی از زمان خود را در آن گذرانده و مراحل اولیه رشد شخصی و رفتاری شان در این نهاد پایه گذاری شده و به ویژه تقیدات مذهبی آن ها را متأثر می سازد. معلم شماره ۱۸ می گوید: «امروز بیشتر خانواده ها درگیر مسائل اقتصادی و معیشتی خود هستند و به مسائل ارزشی و اعتقادی فرزندان خود نمی پردازند. راستش را بخواهید فرزندان به حرف والدین خود گوش نمی دهند و به نظرم یک فاصله زیاد بین پدر و مادرها و فرزندان وجود دارد. برخی خانواده ها و والدین هم کلاً در این مورد دغدغه ای ندارند و برایشان مسئله دینی اهمیتی ندارد.» دبیر شماره ۱۴ می گوید: «مگر اینکه دانش آموز در خانواده ای رشد یافته باشد که از لحاظ مذهبی ریشه محکمی داشته باشد. بچه هایی که در خانواده های متزلزل زندگی می کنند دارای باورها و اعتقادات مذهبی چندان محکمی نیستند. در کلاس های دین و زندگی هم خیلی نمی شود روی باورها و اعتقادات بچه ها کار عمیق انجام داد. هر چند که اگر هم انجام دهیم، در خانه این آموزش ها تا حدی خنثی می شود! خانواده نقش مهمی دارد.» دبیر شماره ۹ می گوید: «من فکر می کنم هر چقدر هم سر کلاس دین و زندگی بر روی مسائل دینی و اعتقادی کار کنیم و حتی کتاب دینی را تعویض کنیم، این بچه وقتی وارد خانه می شود و مشاهده می کند که والدینش توجهی به این مسائل ندارند، همه کارها خنثی می شود. محیط خانه ای که بچه در آن رشد می کند، باعث علاقه یا زدگی از مطالب دینی می شود.» دبیر شماره ۱۹ هم در این مورد تصریح می کند: «خانواده خیلی مهم است. ولی الان بین مدرسه و خانواده شکاف زیادی وجود دارد. پدر و مادری که دائماً سرشون توگوشی موبایل است، چطور می توانند برای دین دار کردن بچه ها کار خاصی انجام دهند. به نظرم برخی خانواده ها که تعدادشان کم نیست، به آموزش و تربیت دینی کاری ندارند.»

نتیجه گیری و پیشنهادها

یکی از مهم ترین مراحل فرآیند برنامه ریزی درسی مرحله اجراست که طی آن مشخص می گردد برنامه های طراحی شده برای دانش آموزان به چه شکل و کیفیتی در موقعیت های یاددهی و یادگیری یعنی مدارس و کلاس های درس به اجرا درمی آیند. در واقع، اگر در اجرای برنامه ها معیارها و شاخص های از قبل پیش بینی شده رعایت گردد، می توان به موفقیت برنامه و تحقق اهداف

آن امیدوار بود. بالعکس، اگر در این مرحله شرایط و بسترهای لازم فراهم نشده و ملاحظات و استانداردهای کیفی رعایت نگردند، نمی‌توان به کارآیی برنامه‌ها و اثرگذاری دروس مختلف بر یادگیری دانش‌آموزان امیدوار بود. لوی (۱۳۹۵: ۸۷) با تأکید بر اهمیت اجرای برنامه درسی تصریح می‌کند که این مقوله نیازمند برنامه‌ریزی و نظارت دقیق است و بسیاری از برنامه‌های خوب اگرچه از کیفیت بالا برخوردار بوده‌اند، ولی فقط به علت نارسایی در مرحله اجرا با شکست مواجه شده‌اند. تایلر (۱۳۸۳: ۷۷) هم معتقد است یادگیری طی تجاربی که یادگیرندگان به دست می‌آورند، محقق می‌شود. یعنی آنکه یادگیری از طریق واکنش‌هایی که فراگیر به محیط اطراف خود ابراز می‌دارد، حاصل می‌شود. لذا باید شرایط لازم برای بروز این واکنش‌ها پیش‌بینی شده باشد.

به‌هرحال، برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم از جمله حوزه‌های آموزشی و تربیتی است که در راستای پرورش آگاهی‌ها و سجایای دینی دانش‌آموزان این مقطع طراحی شده و توسط مجریان آن یعنی دبیران آموزش داده می‌شود. طبعاً اجرای بهینه این برنامه درسی مستلزم آن است که موانع، مشکلات و چالش‌های آن شناسایی و سپس رفع شوند. بر اساس یافته‌های حاصل از این تحقیق مجموعه مشکلات و چالش‌های درس دین و زندگی دوره متوسطه دوم را می‌توان در دو قالب کلی یعنی مشکلات آموزشی و درسی و چالش‌های غیر آموزشی یا فرامدرسه‌ای قرارداد. طبقه‌بندی مذکور با بنیادهای نظری موجود که عملکرد نهادهای گوناگون جامعه از جمله مدارس و مراکز آموزشی را ناشی از کارکرد و نحوه تعامل عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌داند، همخوان است. در ذیل مشکلات آموزشی و درسی، مسائل و تنگناهای مرتبط با ضعف و ناتوانی برخی دبیران دین و زندگی، پدیده کنکور، نارسایی کتب درسی، کمبود زمان تدریس و ناکافی بودن تجهیزات و امکانات کمک آموزشی قرار می‌گیرد. در ادبیات نظری و پژوهشی موجود شواهد زیادی در مورد نقش متغیرها و عوامل آموزشی در یادگیری دانش‌آموزان وجود دارد. ملکی (۱۳۸۴: ۱۲) اهمیت برخورداری معلمان را از آنچه وی آن را صلاحیت‌های معلمی نامیده و آن‌ها را شامل صلاحیت‌های شناختی، عاطفی و مهارتی می‌نامد، مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین عبدلی و همکاران (۱۳۹۶: ۸) نیز در پژوهش خود بر نقش مؤثر ارتباط و تعامل معلمان و دانش‌آموزان تأکید کرده و معتقدند که از دیدگاه دبیران مشکلاتی همچون تعارض میان گفتار و عمل معلم، پرحرفی معلمان در طول جلسات کلاس درس، تبعیض قائل شدن میان شاگردان،

بی‌حوصلگی در حین تدریس و ناامید کردن دانش‌آموزان از آینده ادامه تحصیل اثرات نامناسبی بر یادگیری دانش‌آموزان می‌گذارند. معیری (۱۳۹۰) نیز معتقد است معلمان به‌عنوان رکن اصلی نظام آموزشی باید دارای مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای به لحاظ ذهنی و عاطفی و مهارتی باشند تا ضمن ایفای وظایف و مسئولیت‌های خود، از توان و ظرفیت لازم برای اثرگذاری بر یادگیرندگان برخوردار شوند. از دیدگاه مهر محمدی (۱۳۷۹: ۱۷۰) هم آنچه دانش‌آموزان از مقوله رشد و کمال کسب می‌کنند، بیش از هر چیز تحت تأثیر خصوصیات، کیفیات و شایستگی‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان است. تعامل مستمر و چهره‌به‌چهره معلم با دانش‌آموزان، معلم را در موقعیت ممتاز و منحصربه‌فرد و... واسطه فیض قرار می‌دهد. هیچ عنصر انسانی دیگری از چنین موقعیت و موهبتی برخوردار نیست.

از سوی دیگر، حسینی لرگانی و محمدی (۱۳۹۶: ۵۵) هم تأیید کرده‌اند که خانواده‌ها برای تحصیلات عالی فرزندان خود اهمیت زیادی قائل هستند و برای آن بیش از حد انتظار ارزش‌گذاری کرده و همین امر معضلات زیادی را در جامعه به‌طور محسوس و غیر نامحسوس به همراه دارد. حج فروش (۱۳۸۱) با استناد به دیدگاه‌های کارشناسان، پدیده کنکور را باعث افزایش اضطراب دانش‌آموزان در سال‌های تحصیل دانسته و تأکید می‌کند که عدم قبولی در کنکور هم با پیامدهایی مثل یأس، افسردگی و از دست رفتن روحیه اعتمادبه‌نفس همراه است. پژوهش امیدیان و همکاران (۱۳۹۷: ۲) هم این واقعیت را مستندسازی کرده که کنکور سراسری در ایران پیچیده بوده و در آن متغیرهای گوناگونی نقش داشته و استرس به‌عنوان پیامد منفی کنکور موضوعی است که همه افراد موفق و ناموفق آن را تجربه کرده‌اند. خلیل زاده و قلعه‌ای (۱۳۹۴: ۵۶۳) در تحقیق خود گزارش کرده‌اند که سبک تفکر همگرا با موفقیت در کنکور رابطه قوی داشته ولی با سبک واگرا یا خلاق ارتباطی ضعیف داشته و اصولاً خلاقیت در پیش‌بینی عملکرد کنکور تأثیر بسیار اندکی دارد.

همچنین، یافته‌های تحقیقاتی مرتبط با کتب درسی در نظام آموزش و پرورش ایران بیانگر آن است که به دلایل گوناگون کتاب درسی تنها منبع و رسانه آموزشی است که مورد استفاده و استناد معلم و دانش‌آموزان قرار می‌گیرد (موسی پور، ۱۳۹۵: ۱۱۰). درعین حال، عابدی و همکاران (۱۳۹۲: ۱۱۵) تأکید کرده‌اند که در کتب درسی دین و زندگی باید علاوه بر ابعاد شناختی، جنبه‌های عملی و الگوبدیری دانش‌آموزان مورد توجه قرار بگیرد و محتوای این کتاب باید ابتدا با فراهم کردن

محیط مناسب و ارائه الگوهای تربیتی به ایجاد عادات نیک و بیدار کردن فطرت، زمینه تربیت دینی را در مرتبه فراهم کرده و سپس برای مستحکم کردن اعتقادات و از میان بردن تردیدها و پرهیزها در دین‌داری دانش‌آموزان به ارائه مباحث عقلی و اقامه برهان اقدام نماید. باهنر (۱۳۷۸) هم تأکید می‌کند که محتوای کتب دینی از یکسری مفاهیم و موضوعات انتزاعی و ذهنی تشکیل شده و این موضوعات کمتر با مسائل و پدیده‌های محسوس و ملموسی که دانش‌آموزان با آن سروکار دارند، ارتباط داشته و لذا فهم و درک آن‌ها برایشان بسیار مشکل است. از سوی دیگر، پژوهش زینال‌پور و کیهان (۱۳۹۷: ۶۹) کاربرد رسانه‌های آموزشی مثل فیلم، تلفن همراه، نرم‌افزارهای قرآنی و مذهبی، انتخاب برنامه‌های مناسب رادیو و تلویزیونی را در آموزش و تفهیم مفاهیم دینی به دانش‌آموزان مؤثر دانسته است. گلکاری و همکاران (۱۳۹۲: ۳۲۵) هم در تحقیق خود نشان دادند که غنی بودن مدرسه از نظر امکانات کمک‌آموزشی از جمله کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های گوناگون و سهولت دسترسی دانش‌آموزان بدان‌ها نقش بسیار زیادی در یادگیری دارد.

اما از سوی دیگر، در زمینه تأثیرات عوامل غیر آموزشی از جمله مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی و شرایط حاکم بر خانواده‌ها بر کارکردهای نظام آموزشی نیز باید گفت که این متغیرها که تحت اختیار و کنترل مدارس و متولیان آموزش و معلمان و دبیران نیستند، در اثربخشی درس دین و زندگی بسیار مؤثر هستند. موسی‌پور (۱۳۹۵: ۴۷) جایگاه متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را در مدارس و برنامه‌های آموزشی و درسی بسیار مهم تلقی می‌کند و معتقد است که عناصر تشکیل‌دهنده یک فرآیند آموزشی و تربیتی از درون جامعه و واقعیات آن‌ها نشأت گرفته و به آن برمی‌گردد. لذا برای شناخت نحوه عمل افراد باید عناصر اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه و دقت جدی قرار داد. ملکی (۱۳۹۳: ۵۰) هم مقوله واقعیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی جامعه را در زمره مواردی می‌داند که باید در بررسی مسئولیت و کارکردهای اجتماعی مدارس مورد توجه قرار بگیرد تا مراکز آموزشی بتوانند به انتظارات پیرامونی خود پاسخ دهند. پژوهش علی‌پور و همکاران (۱۳۹۲: ۱) تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه را بر تربیت شهروندان نقاد و متفکر خاطر نشان کرده است. در مورد نقش خانواده و مناسبات حاکم بر آن در عملکردهای آموزشی و یادگیری نیز تحقیق نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۵: ۲۸۳) با تأکید بر نحوه تعامل والدین با فرزندان و تأثیراتش بر رفتار و شکل‌گیری شخصیت و گرایش دینی آن‌ها نتیجه‌گیری کرده‌اند که بین الگوهای عمل‌گرایانه و اقتدار منطقی با دین‌داری جوانان رابطه معنادار و مستقیم و بین الگوی

آزاد گذاری و دین داری جوانان رابطه معنادار اما معکوس وجود دارد. در پژوهش طیاری پوراحمدی (۱۳۹۶: ۵۱۶) نقش و جایگاه مادر در تربیت دینی فرزندان مورد تأیید قرار گرفته است. صمدی و رضایی (۱۳۹۰: ۹۵) در تحقیق خود خاطرنشان کرده اند که تداوم نقش خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی مقوله ای مهم بوده و اصولاً نهاد خانواده به عنوان یکی از اساسی ترین کانون های تربیتی شاکله اصلی شخصیت و هویت وجودی افراد را پایه ریزی می کند.

به هر حال، با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و مستندات نظری و پژوهشی که در این مقاله مورد اشاره و استناد قرار گرفت می توان گفت برنامه درسی دین و زندگی مقطع متوسطه دوم نظام آموزش و پرورش کشور هر چند ابزار و رسانه مهمی برای انتقال و ارائه مفاهیم و آموزه های مذهبی و دینی به دانش آموزان است، ولی با این حال این عرصه آموزشی و تربیتی با مشکلات و تنگناهای مختلفی در بخش های آموزشی و غیر آموزشی مواجه است که باعث شده تأثیر گذاری عملی این درس بر رفتارهای دینی و مذهبی دانش آموزان کاهش یابد. بدیهی است شناسایی این مشکلات و تلاش در جهت حل آنها کارکرد بهتر و کیفی تر نظام آموزشی در بخش رفتارهای دینی را به دنبال داشته و باعث می شود که دانش آموزان به عنوان فارغ التحصیلان و شهروندان آینده از مجموعه صلاحیت ها، هنجارها و سجایای رفتاری و اخلاقی لازم برای زندگی در یک جامعه پیچیده و در حال تغییر برخوردار شوند. در این راستا به نظر می رسد که انجام اقداماتی از جمله طراحی و اجرای آموزش های ضمن خدمت کیفی برای دبیران دین و زندگی به منظور دانش و مهارت افزایی آنها در زمینه تدریس بهتر و عمیق تر درس دین و زندگی و ارتقای سطح نفوذ و اثر گذاری آنها بر الگوهای شخصیتی و رفتاری فراگیران جوان دوره متوسطه، اصلاح، تعدیل، روزآمد و کاربردی کردن محتوای کتاب دین و زندگی دوره متوسطه دوم، استفاده از ظرفیت های هنری و زیبایی شناختی در طراحی و تدوین مطالب کتاب، ارائه مباحث کاربردی و پیوند آنها با واقعیت های عینی جامعه، کاستن از حجم مطالب کتاب درسی دین و زندگی و انطباق آن با زمان موجود در برنامه هفتگی دانش آموزان، بازنگری در زمان آموزشی این درس، تخصیص امکانات و تجهیزات کمک آموزشی لازم به مدارس متوسطه برای متنوع سازی آموزش این درس، برنامه ریزی نهادهای کلان اجتماعی جامعه برای مبارزه و مقابله منطقی با کژ کاردها و نابهنجاری های موجود در سطح جامعه و ارتقای سطح سلامت اجتماعی و سالم سازی تعاملات عینی شهروندان، استفاده از ظرفیت های انجمن اولیاء و مربیان برای ایجاد ارتباط هر چه بیشتر

آموزش‌های دبیرستان با خانواده‌ها به‌ویژه در دروس اجتماعی و مذهبی و همگون سازی آن‌ها و... می‌توانند در اصلاح و بهبود کیفی فرآیند تربیت دینی دانش‌آموزان اثرات قابل توجهی داشته باشد.

منابع

منابع فارسی:

- ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۳). فلسفه تربیت (رشته علوم تربیتی) تهران: دانشگاه پیام نور.
- امیدیان، مرتضی؛ رحمتی، امین و فرهادی زاده، حمید. (۱۳۹۷). تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن، فصلنامه آموزش عالی ایران، ۱۰(۲): ۱۹-۱.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: نشر دیدار.
- باهنر، ناصر. (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- تایلر، رالف. (۱۳۸۳). اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، علی تقی پور ظهیر، تهران: نشر آگه.
- حج فروش، احمد. (۱۳۸۱). آسیب‌های کنکور بر هدف‌های دوره متوسطه و ارائه پیشنهاد برای رفع آسیب‌ها؛ مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، اصفهان.
- حسینی لرگانی، سیده مریم و محمدی، رضا. (۱۳۹۶). تبیین علل اثرگذار بر مراجعه دانش‌آموزان به آموزشگاه‌های آزاد کنکور، فصلنامه اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۷(۱۸): ۸۹-۵۳.
- حیدر پور، حسن؛ صادق زاده قمصری، علیرضا و سجادی، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل تطبیقی راهنمای برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۴): ۳۵-۶۶.
- خسروی، زهره؛ باقری، خسرو (۱۳۸۷). راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۸، ۱۰۵-۸۱.
- خلیل زاده، فریبا و قلعه‌ای، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال تحصیلی ۹۳-۹۲، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۳(۷): ۵۷۱-۵۶۳.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و عادل، آذر. (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع، تهران: صفار.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مصوبه اسفند ۱۳۹۱ تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

رضوی، عبدالمجید؛ رسولی شریانی، رضا و بنی علی، علیرضا. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دین و زندگی دوره متوسطه بر مبنای اصول و روش‌های تربیتی مستخرج از المحجۀ البيضاء یالتهذیب الاحیاء (با تأکید بر بخش عادات و منجیات)، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱(۱): ۸۹-۶۱.

رضی، احمد. (۱۳۸۸). شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی، سخن سمت، شماره ۲۱، ۲۱-۳۰.

زارعان، محمدجواد. (۱۳۷۹). تربیت دینی و تربیت لیبرال، فصلنامه معرفت، شماره ۳۳: ۱۵-۸.

زینال پور، سمیرا و کیهان، جواد. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی شیوه‌های آموزش مذهبی والدین به کودکان پیش‌دبستانی، فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۶(۱۱): ۹۱-۶۹.

سلطانی، آمنه. (۱۳۹۷). بررسی علل بی‌علاقگی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم به درس دین و زندگی، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، موجود در:

https://www.civilica.com/Paper-RAFCON11-RAFCON11_409.html

سلیمی، محمدرضا و شرفی، روح‌انگیز. (۱۳۹۴). بررسی ساختار و ابعاد روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی، مقاله ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی، ۱۹-۱.

سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران: نشر دوران.

طیاری پوراحمدی، معظمه. (۱۳۹۶). اهمیت نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه، تهران: دانشگاه الزهرا.

صمدی، معصومه و رضایی، منیره. (۱۳۹۰). بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۲: ۱۱۸-۹۵.

عابدی، حیدر علی. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیدارشناسی در علوم بالینی، فصلنامه راهبرد، ۵۴(۱۹): ۲۲۴-۲۰۷.

عابدی، فاطمه؛ منادی، مرتضی؛ خادمی، ملوک و کیامنش، علیرضا. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه با تأکید بر شاخص‌های تربیتی در برنامه درسی ملی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۲۰: ۱۳۵-۱۰۱.

عبدلی سلطان احمدی، جواد؛ الله‌وردی زاده، خلیل؛ خیری، ابراهیم و سرخوش، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی میزان پاسخگویی کتاب دین و زندگی سال دوم متوسطه به نیازهای معنوی و روانی دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران دینی و قرآن، دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۵(۸): ۷۷-۶۱.

عبدلی سلطان احمدی، جواد؛ یاشوی، قاسم و فراست محمدی، معصومه. (۱۳۹۲). بررسی مؤلفه‌های نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام در کتاب‌های درسی دین و زندگی، مطالعات اسلام و روانشناسی، ۷(۱۲): ۳۶-۷.

عبدلی، افسانه؛ زین‌الدینی میمند، فاطمه و آیتی، محسن. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی فرایند برقراری ارتباط در فرایند یاددهی - یادگیری از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اصفهان. فصلنامه خانواده و پژوهش،

- علی پور، وحیده؛ سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت ا... و شریعتمداری، علی. (۱۳۹۲). تأملی بر موانع انتقادی در برنامه درسی آموزش متوسطه، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره دوم، شماره (۹)، ۱-۱۵.
- قاسم پور دهاقانی، علی و نصر اصفهانی، احمدرضا. (۱۳۹۰). رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۹(۱۳): ۷۱-۹۲.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه احمدرضا نصر و دیگران. (جلد اول)، تهران: سمت.
- گلکاری، سمیه؛ آیتی، محسن و راست‌گو مقدم، میترا. (۱۳۹۰). تأثیر برنامه مبتنی بر وبلاگ بر خلاقیت دانش‌آموزان متوسطه. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، جلد ۷(۴): ۳۲۵-۳۳۳.
- لوی، الف. (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی درسی مدارس، ترجمه فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه.
- محمد پور، احمد و بهمنی، مریم. (۱۳۸۹). زنان، پاساژ و معرف نشانه‌ها، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۷، ۷۲-۴۱.
- مرادی، بهروز. (۱۳۹۳). درآمدی به جامعه‌شناسی دین، تهران: جامعه‌شناسان.
- معیری، محمد طاهر. (۱۳۹۰). مسائل آموزش و پرورش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: انتشارات پیام اندیشه.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۴). صلاحیت‌های حرفه معلمی، تهران: مدرسه.
- منصوریان، یزدان. (۱۳۹۱). هفتاد نکته کاربردی در طراحی و اجرای پژوهش‌های کیفی. کتاب ماه کلیات، ۱۵(۸).
- منطقی، مرتضی. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب‌های دینی سوم راهنمایی و دبیرستان از منظر پاسخ به نیازهای عاطفی و روانی و اجتماعی دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۸(۲۹): ۷۴-۵۲.
- مهر محمدی، محمود. (۱۳۷۹). بازانندیشی فرآیند یاددهی-یادگیری و تربیت معلم، تهران: مدرسه.
- مهر محمدی، محمود و صمدی، پروین. (۱۳۸۰). مبانی نظری برنامه درسی مطلوب دینی دوره متوسطه، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۱۱(۳۹): ۲۷۶-۲۴۷.
- موسی پور، نعمت ا... (۱۳۹۵). مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه، مشهد: آستان قدس رضوی.
- میرزا بیگی، علی. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی تربیت نیروی انسانی، تهران: انتشارات یسرون.
- میرعارفین، فاطمه سادات. (۱۳۸۶). نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی دین و زندگی سال سوم دبیرستان (با تأکید بر برنامه درسی)، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۳(۱-۲): ۸۷-۱۱۹.
- میرعارفین، فاطمه سادات. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی کتاب‌های دین و زندگی از منظر توجه به نیازهای دانش‌آموزان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۶(۲۲): ۹۶-۵۹.

نهادندیان، محمد. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های فرهنگ برای پیروزی در رقابت جهانی شدن فرهنگ، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۱۰-۱۱: ۱۷-۱۲.

نوربخش، یونس و اویسی فردویی، قاسم. (۱۳۹۵). دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۱): ۲۸۳-۳۱۴.

نوروزی، رضا علی و بدیعیان، راضیه. (۱۳۸۸). الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین (ع)، فصلنامه اندیشه نوین دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۳: ۹۱-۱۰۸.



المنهج التعليمي للمدرسة الثانوية الثانية فرع الدين والحياة؛ التحديات الموجودة (دراسة التجارب الحية للمعلمين)

محمد الأميني *

إن ال نجاح و تأثير البرامج التعليمية المختلفة للنظام التعليمي يتطلب معرفة الحقائق الميدانية والجهود المبذولة لحل مشاكلها ومضائق تنفيذها. من أهم المجالات و اعمال النظام التعليمي في بلدنا، التربية الدينية، التي تهدف إلى التنمية و تربية الفضائل والكرامات الدينية والأخلاقية لدى التلاميذ، وفي المرحلة الثانوية الثانية من خلال منهج تعليمية خاص وكتاب متعلق به، وهو: الدين والحياة: يتم اجراء هذه الدورة وتدريبها من قبل المعلمين. من هذا المنظر، فإن الغرض الرئيسي من الدراسة الحاضرة هو التحقيق والتعرف على مجموعة الاختناقات والمشاكل المتعلقة بمنهج التعليمية الدين والحياة في مستوى الثانوية الثانية بناءً على الادراكات والتجارب المعيشية لمعلمي دورة الدرس المذكور. النهج العام الحاكم لهذه الدراسة، ناظرا الى ماهيتها والغرض منها، هو كفي من نوع معرفة الظواهر، و يتم من خلالها التجميع و تنظيم البيانات والمعلومات اللازمة مع مراعاة اصل الاشباع النظرى من خلال مقابلات شبه منظمة مع ٢٠ مدرسا دينيا لمستوى الثانوية الثانية فرع الدين والحياة في منطقة الكاشان، الذين تم اختيارهم بطريقة أخذ انموذج هادفة. تم استخدام طريقة الكلايزى المكونة من سبع خطوات للتجزئة و التحليل و تفسير المعلومات التي تم الحصول عليها. وأظهرت النتائج أنه من وجهة نظر المعلمين في ساحة الدين والحياة بالمرحلة الثانوية الثانية ان النظام التعليمي للدولة، يواجه مانعين رئيسيين هما المشكلات التعليمية (القضايا المتعلقة بالمدرسة والعوامل الدراسية والتعليمية) والتحديات غير التعليمية. (حقائق خارج مكان المدرسة). هذه الحواجز، التي لكل منها طبقات فرعية خاصة بنفسها، تجعل برامج الدين والحياة المدرسية لمستوى الثانوية فاقدة عن الدورات التعليمية المتوقعة والتأثيرات الإيجابية على التعلم الدينية والأخلاقية للتلاميذ. من البديهي أن استخدام الطرق العلمية لحل هذه المشكلات يمكن أن يجعل النظام التعليمي للدولة أكثر كفاءة في دروس الدين والحياة و يمكن للتلاميذ أيضاً الاستفادة من الفضائل الدينية المنظورة.

الكلمات الرئيسية: الدين والحياة، البرنامج الدرسي، المشكلات التعليمية، التحديات غير التعليمية، المرحلة الثانية

للثانوية.